

بررسی سبک‌شناسی ادبی و بلاغی صحیفه سجّادیه
(زبور آل محمد صلی الله علیه و آله)

سید علی رضا حجازی^۱

چکیده

صحیفه سجّادیه (زبور آل محمد صلی الله علیه و آله)، یادگار ماندگار امام سجّاد (علیه السلام)، متنی نیاپیشی است که عرصه‌ای برای راز و نیاز با خدای بی‌همتا، عرض حاجت و بیان غربت مؤمن در جهانی آکنده از فریب به شمار می‌آید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد سبک‌شناختی، در پی پاسخ به این پرسش است که ویژگی‌های سبکی این اثر در چه سطوح و با چه مؤلفه‌هایی تجلی یافته و چگونه در خدمت انتقال مفاهیم بلند اعتقادی و عرفانی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد امام سجّاد (علیه السلام) در این کتاب، با بهره‌گیری از واژگان فصیح، ترکیبات بدیع و جملاتی موزون در قالب مناجات، به تعلیم خدانشناسی و خودشناسی پرداخته و با کاربرد هنرمندانه‌ی صنایع بلاغی متنوعی چون مجاز، کنایه، استعاره، سجع و التفات، دیدگاه عمیق خویش را به صورتی ملموس تجسم بخشیده است. واکاوی سبکی صحیفه در سه سطح زبانی (آوا، واژه، جمله)، ادبی و بلاغی (با بررسی صنایع ادبی به کار رفته) و فکری (مضامین توحیدی، تربیتی و عرفانی) انجام شده است. در سطح زبانی، موازنه‌های آوایی و تکرارهای معنادار؛ در سطح بلاغی، تنوع و ظرافت در کاربرد صور خیال؛ و در سطح فکری، وحدت نگرش عمیق عرفانی، از شاخصه‌های بارز سبک این کتاب است. نتیجه آنکه سبک صحیفه سجّادیه، تنها یک شیوه‌ی بیانی نیست، بلکه تجلی گفتمان ویژه‌ی امام سجّاد (علیه السلام) است که در آن، صورت و معنا، لفظ و اندیشه و عاطفه و تعقل در هم تنیده‌اند تا متنی جاودانه خلق شود که هم مایه‌ی سیراب شدن دل‌های مشتاق است و هم الگویی بی‌بدیل برای ادبیات دعا و مناجات.

۳۰

دوره جدید، سال ۸، شماره ۱۰،
پیاپی ۳۰ تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۱/۰۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۶/۰۱
صص: ۳۳-۶

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۷۴۷۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۴۷۴۲



کلیدواژه‌ها: صحیفه سجّادیه، زبور آل محمد (صلی الله علیه و آله)، سبک‌شناسی، بلاغت، ادبیات دعا، امام سجّاد (علیه السلام)، صنایع ادبی، تحلیل زبانی.

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دارای تحصیلات حوزوی، درس خارج ۱۵ سال، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه قم، قم، ایران. پست الکترونیکی: sa.hejazi@yahoo.com

مقدمه

صحیفه سجّادیه، این یادگار ماندگار امام سجّاد (علیه‌السلام)، امانتی الهی است که مؤمنان را به یاری آن، می‌توان با خدای بی‌همتا به راز و نیاز پرداخت، حاجت خواست و از تنهایی و غربت خویش در جهانی آکنده از فریب، شکوه کرد. این کتاب همواره مورد توجه عالمان دینی بوده است؛ آنان همواره بر تصحیح، استنساخ دقیق و انتقال بی‌غلط روایات آن اهتمام ورزیده و آن را مونس شبانه برای مناجات با پروردگار و متن متین تدبیر و درس روزها می‌دانسته‌اند.

در حقیقت، این پرسش همواره ذهن دلدادگان صحیفه سجّادیه را به خود مشغول کرده است که درون این کتاب چه رازی نهفته است و این اثر از چه سبک و سیاقی برخوردار است که همگان را مجذوب خود نموده است. البته، بررسی محتوای صحیفه، علل ماندگاری آن و نیز دلایل اهتمام ویژه عالمان به نقل روایات و اعطای اجازه‌های روایی آن، موضوعاتی است که باید در جای خود به ژرفا کاویده شود.

محور بحث در این نوشتار، سبک و سیاقی است که در لابه‌لای دعاهای صحیفه سجّادیه جلوه‌گر شده و همین ویژگی، سبب شیفتگی مخاطبان گشته است. بنابراین، پژوهش حاضر به سبک‌شناسی صحیفه سجّادیه می‌پردازد تا شاید در پرتو این بررسی، بتوان به درکی از محتوا، راز ماندگاری و دلایل توجه عالمان به «زبور آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)» دست یافت.

سبک‌شناسی

سبک‌شناسی، علم یا نظامی است که به بررسی سبک می‌پردازد و سبک، به وحدتی اشاره دارد که در آثار یک پدیدآورنده نمایان می‌شود. به بیان دیگر، «سبک» به روح حاکم یا ویژگی‌های مشترک و تکرارشونده در آثار نوشتاری یا گفتاری اطلاق می‌گردد. نقاشان، خوشنویسان و دیگر هنرمندان در آثار خود سبکی ویژه دارند و نویسندگان و گویندگان نیز در ارائه مطالب از سبک خاصی پیروی می‌کنند. این ویژگی‌های مشترک و تکرارپذیر که سازنده سبک هستند، گاه آشکار و گاه پنهان‌اند.

برخی، سبک نوشتاری را تنها برآمده از گزینش ویژه‌ای از واژگان، تعابیر و عبارات می‌دانند و معتقدند «سبک نوشتاری در بردارنده ادبیات و شیوه بیان جملات است». در این میان، گروهی هر گزینش زبانی را سبک نمی‌نامند، بلکه بر این باورند که سبک حاصل خروج از هنجارهای معمول زبان است؛ به عبارت دیگر، سبک «انحراف از نرم» محسوب می‌شود.

برای نمونه، به جای عبارت «زمانی که جنگ آغاز شد»، گفته شود: «آنگاه که شیپور رزم دمیده شد». قرآن کریم نمونه‌ای اعلای این گونه سبک است؛ چنان‌که برای بیان برپایی قیامت، از تعابیری همچون «فَإِذَا نُفِرَ فِي النَّاقُورِ» (مدثر: ۸) و «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزله: ۱) بهره می‌برد.

با این تعریف، سبک‌شناسی تنها به بیان ویژگی‌های لفظی و زبانی آثار محدود می‌شود. اما برخی از صاحب‌نظران، سبک‌شناسی را فراتر از این دانسته و اظهار داشته‌اند که اگرچه سبک وحدت موجود در آثار یک فرد است، این وحدت تنها در سطح لفظ نیست، بلکه وحدت در اندیشه و نگرش نویسنده نیز بخشی از سبک به شمار می‌آید. حتی ویژگی‌های مشترک لفظی، ریشه در فکر و جهان‌بینی پدیدآورنده دارد؛ چرا که هر جمله و نوشتار، بازتاب‌دهنده بینش، تفکر و نگاه خاص صاحب اثر به جهان درون و بیرون است و می‌توان گفت: «میان تفکر و قلم رابطه‌ای مستقیم وجود دارد». بنابراین، میان سبک نوشتار و روحیات، خلیات و افکار نویسنده پیوندی ناگسستنی برقرار است.

حال، چه سبک نوشتاری را پدیده‌ای ادبی و لفظی بدانیم (براساس تعریف اول) و چه برخاسته از فکر، خلق و روح نویسنده (براساس تعریف دوم)، باید توجه داشت که این ویژگی‌های سبک‌ساز، می‌بایست متعدد و تکرارشونده باشند و با استناد به یک لفظ، جمله، ایده یا خروج واحد از نرم، نمی‌توان سبکی خاص را به صاحب اثر نسبت داد.

سبک‌شناسی صحیفه سجادیه

سبک صحیفه مبارکه سجادیه، تجلی نگاه ویژه حضرت سیدالسادین علی‌بن‌الحسین (علیه‌السلام) به جهان درون و بیرون است که در قالبی خاص از بیان و الفاظ، یعنی دعا و نیایش، متجلی

شده است. به عبارت دیگر، هر بینش منحصر به فردی در زبان ویژه‌ای ظهور می‌کند؛ از این رو، هر که نگاهی نو به آفاق و انفس داشته باشد، برای انتقال تصاویر ذهنی جدید خویش ناگزیر است از زبان و اصطلاحاتی تازه، ساخت‌های نحوی و ترکیبی بدیع و حتی شیوه‌ای نوین در بیان بهره گیرد. امام سجّاد (علیه‌السلام) در صحیفه‌ی مقدّسه‌ی سجّادیه، با به‌کارگیری الفاظ و عباراتی بدیع در قالب نیایش، به همگان خداشناسی و خودشناسی می‌آموزد و با استفاده‌ی هنرمندانه از مجاز، کنایه و استعاره می‌کوشد دیدگاه خویش را به گونه‌ای ملموس و مجسم به دیگران منتقل نماید. از این رو، برای دستیابی به ویژگی‌های سبکی تکرارشونده در این کتاب، باید آن را در سه سطح

مورد بررسی قرار داد:

- ۱- سطح زبانی و صوری
- ۲- سطح ادبی و بلاغی
- ۳- سطح فکری و اندیشه‌ای

همچنین نباید از این نکته غافل بود که حتی متبحرترین سبک‌شناسان و عالم‌ترین حدیث‌پژوهان نیز نمی‌توانند تمامی زوایای سبک‌شناختی کلام معصومان (علیهم‌السلام) را به طور کامل ارزیابی نمایند؛ به‌ویژه هنگامی که به سطح فکر و اندیشه‌ی اثر ایشان پرداخته شود، چرا که آنان در اوج ساحت تفکر و معرفت قرار داشته‌اند و اندیشه‌ی بشر از درک تمام آنچه از سوی آنان صادر شده، ناتوان است؛ مگر معدود کسانی که اسرار الهی را فراگرفته و خود حافظ آن اسرار گشته‌اند. بنابراین، در این پژوهش، سبک‌شناسی صحیفه تنها از منظری دنبال خواهد شد که عقل محدود و علم ناقص بشری یاری‌گر آن است.

سطح زبانی و صوری

سطح زبانی و صوری به بررسی ظاهر جملات، چگونگی ترکیب واژه‌ها و نیز ویژگی‌های آوایی عبارات می‌پردازد. این سطح از بررسی شامل سه محور اصلی است: سبک آوایی صحیفه سجّادیه؛ سبک واژگانی و لغوی دعاها و سبک جمله‌بندی در صحیفه سجّادیه.

سبک شناسی آوایی صحیفه سجّادیه

در این بخش، ویژگی‌های قافیه و وزن در صحیفه مبارکه سجّادیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. جملات این کتاب، اغلب کوتاه و در قالب ستایش پروردگار، عرض نیاز به درگاه الهی، مناجات با قاضی الحاجات یا گفت‌وگوی درونی است. اگرچه این جملات در قالب وزن عروضی شعر نیستند، اما از وزن خاص، جمله‌بندی یکسان و تشابه در صفات و مخارج حروف برخوردارند؛ به گونه‌ای که آهنگ و نوایی موزون برای خواننده پدید می‌آورند. موزون بودن جملات صحیفه در پنج صورت تحقق یافته است:

- ۱- هم‌وزنی در ابتدای جملات
- ۲- هم‌وزنی در انتهای جملات
- ۳- هم‌وزنی در تمام کلمات جملات
- ۴- هم‌وزنی کلمات در یک جمله
- ۵- هم‌وزنی در ترکیبات صفت و موصوف، مضاف و مضاف‌الیه و ندا و منادا

۱- هم‌وزنی در ابتدای جملات

در این صورت، کلمات آغازین دو یا چند جمله، از نظر وزنی مشابه یکدیگرند. مثال: «أَبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخُلُقَ ابْتِدَاعًا وَاخْتَرَعَ عَلَيَّ مَشِيبَتَهُ اخْتِرَاعًا» (دعای ۱، بند ۴). در این دو جمله، واژه‌های «أَبْتَدَعَ» و «اخْتَرَعَ» که در آغاز آمده‌اند، هم‌قافیه و هم‌وزن هستند.

۲- هم‌وزنی در انتهای جملات

این ویژگی در بلاغت، زیرمجموعه‌ی «سجع متوازی» قرار می‌گیرد؛ بدین معنا که اگرچه تمامی واژه‌های دو جمله یا فقره هم‌وزن نیستند، اما کلمه‌ی پایانی آن‌ها با یکدیگر هم‌آهنگ است. مثال اول: «ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا وَنَصَبَ لَهُ أَمَدًا مَّحْدُودًا، يَتَخَطَّأُ إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ وَيَرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ» (دعای ۱، بند ۶).

در این عبارت، «أَجَلًا مَوْقُوتًا» با «أَمَدًا مَحْدُودًا» و نیز «بِأَيَّامِ عُمُرِهِ» با «بِأَعْوَامِ دَهْرِهِ» - که در پایان فرازها قرار دارند - هم وزن و موازی هستند.

مثال دوم: «وَ أَحْجَبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَ اللَّازِدِيَّادِ وَ قَوْمِنِي بِالْبَدَلِ وَ الْاِفْتِصَادِ وَ عَلَّمَنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ وَ اُقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْدِيرِ وَ اجْرٍ مِنْ اَسْبَابِ الْحَلَالِ اُرْزَاقِي وَ وَجَّهْ فِي اَبْوَابِ الْبِرِّ اِنْفَاقِي» (دعای ۳۰، بند ۳). در این شش فراز، واژه‌های «اللازیدیاد» با «الافتصاد»، «التقدير» با «التبدير» و «ارزاقی» با «انفاقی» - که همگی در انتهای فرازها جای گرفته‌اند - هم وزن و هم سجع می‌باشند.

۳- هم‌وزنی در تمام کلمات جملات

این سبک آوایی در صحیفه سجّادیه بسامد بالایی دارد. اگرچه ممکن است خواننده به صورت خودآگاه به این هم‌وزنی پی نبرد، اما از ادای آن لذت برده و به وجد می‌آید. این نوع از سبک آوایی به سه شکل قابل تفکیک است:

- هم‌وزنی کلمات با معنای مشابه
- هم‌وزنی کلمات با معنای تا حدی مشابه
- هم‌وزنی کلمات با معنای متضاد

۴- هم‌وزنی کلمات در یک جمله

در این حالت، فارغ از تعداد جملات، کلمات درون هر جمله از نظر وزنی یکسان هستند. گاه این کلمات از نظر معنایی متفاوت‌اند.

مثال (با معنای متفاوت): «وَ جَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوَّةً مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ رِزْقِهِ» (دعای ۱، بند ۵). در این جمله، واژه‌های «قوتاً»، «معلوماً» و «مقسوماً» هم وزن بوده، اما هر یک معنای مستقلی دارند. گاه نیز کلمات علاوه بر هم‌وزنی، از نظر معنایی نیز به یکدیگر نزدیک هستند:

مثال (با معانی مشابه): «فَأَيُّ عَبْدِكَ الْمَسْكِينِ الْمُسْتَكِينِ الضَّعِيفِ الضَّرِيرِ الْحَقِيرِ الْمُهِينِ الْفَقِيرِ» (دعای ۲۱، بند ۷). در این عبارت، «الْمَسْكِينِ» و «الْمُسْتَكِينِ» هم وزن و هم معنا هستند؛ همچنین «الضَّعِيفُ» و «الضَّرِيرُ» نیز از این قاعده پیروی می کنند.

۵- هم وزنی در ترکیبات صفت و موصوف، مضاف و مضاف الیه و منادا

مثال مضاف و مضاف الیه: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرْصِ وَسُورَةِ الْعُضْبِ وَعَلْبَةِ الْحَسَدِ وَضَعْفِ الصَّبْرِ وَقَلَّةِ الْقَنَاعَةِ وَشِكَاسَةِ الْخُلُقِ وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَهَ الْحَمِيَّةِ» (دعای ۸، بند ۱). در این بند، ترکیب های «هَيْجَانِ الْحَرْصِ»، «سُورَةِ الْعُضْبِ» و «عَلْبَةِ الْحَسَدِ» از نظر وزنی یکسان هستند. مثال صفت و موصوف: «بِمَا جَعَلَ لَهُ مِنَ الْحُرْمَاتِ الْمَوْفُورَةِ وَالْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ» (دعای ۴۴، بند ۴). در این عبارت، ترکیب های «الْحُرْمَاتِ الْمَوْفُورَةِ» و «الْفَضَائِلِ الْمَشْهُورَةِ» از وزن یکسانی برخوردارند.

مثال ندا و منادا: «اللَّهُمَّ يَا مَنْ لَا يَرَعْبُ فِي الْجَزَاءِ وَيَا مَنْ لَا يَنْدَمُ عَلَى الْعَطَاءِ وَيَا مَنْ لَا يَكْفِي عَبْدَهُ عَلَى السُّوَاءِ» (دعای ۴۵، بند ۱ تا ۳). در این فراز، هر بخش از ندا و منادا با بخش بعدی و قبلی خود هم آهنگی وزنی دارد.

علاوه بر موارد فوق، هر یک از دعاها صحیفه سجّادیه در فضایی معنوی خاص جریان دارد؛ از این رو برای قرائت، آهنگ و نوایی ویژه می طلبد. برای نمونه، آوایی که در خوانش دعای عرفه (دعای ۴۷) جاری می شود، با لحن و طنین دعای مکارم الاخلاق (دعای ۲۰) تفاوتی عمیق دارد. بنابراین، هر دعا وزن و آهنگ مختص به خود را می طلبد و هر جمله و بند در این کتاب، به شیوه ای متمایز خوانده و درک می شود.

سبک‌شناسی واژگان صحیفه سجّادیه

در این بخش، ویژگی‌های واژگانی و لغات به‌کاررفته در ادعیه‌ی صحیفه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بسامد بالای برخی واژه‌ها در این اثر، همچنین کاربرد هدفمند و عمیق آن‌ها، حاکی از لایه‌های معنایی و بلاغی ژرف در کلام امام سجّاد (علیه‌السلام) است. درباره‌ی واژگان صحیفه مباحث متعددی مطرح است؛ اما با توجه به محدودیت‌های مقاله، به چند محور اصلی اشاره می‌شود:

۱. روی سخن با خداوند
۲. استفاده از واژگان فصیح
۳. واژه‌های بازگشت‌کننده به ذات الهی
۴. واژگان درود و صلوات
۵. نام و یاد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)
۶. کاربرد واژگان هم‌ماده در یک بافت
۷. استفاده از ادات استفهام

۱- روی سخن با خداوند

خطاب مستقیم امام سجّاد (علیه‌السلام) در بسیاری از فرازهای صحیفه، ذات اقدس الهی است. بسامد این خطاب‌ها چنان فراوان است که شمارش دقیق آن دشوار می‌نماید؛ چرا که افزون بر الفاظ صریحی چون «اللَّهُمَّ»، «اللَّهُ»، «رَبِّ»، «رَبِّی» و «إِلَهِي»، انواع ضمائر متصل و منفصل، اسماء اشاره و دیگر ابزارهای زبانی، پیوسته به خداوند ارجاع دارند و گاه در یک جمله یا بند، چندین ضمیر و خطاب الهی در کنار هم جای گرفته‌اند.

مثال اول: «أَنْتَ الَّذِي دَلَلْتَهُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ غَيْبِكَ وَتَرغَيْبِكَ الَّذِي فِيهِ حَظُّهُمْ عَلَيَّ مَا لَوْ سَتَرْتَهُ عَنْهُمْ لَمْ تُدْرِكْهُ أَبْصَارُهُمْ» (دعای ۴۵، بند ۱۴). در این عبارت، ضمیر منفصل «أَنْتَ»، ضمایر (مرفوعی) فعل‌های «دَلَلْتَهُمْ» و «سَتَرْتَهُ» و نیز ضمیر متصل «ك» در «قَوْلِكَ»، «غَيْبِكَ» و «تَرغَيْبِكَ»، همگی به خداوند بازمی‌گردند.

مثال دوم: «فَالَيْكَ أَفْرٌ وَمِنْكَ أَخَافُ وَبِكَ أَسْتَعِينُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَلَكَ أَدْعُو وَإِلَيْكَ أَلْجَأُ وَبِكَ أَتَّقِي وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ وَبِكَ أَوْمِنُ وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكَلُّ» (دعای ۵۲، بند ۱۱). در این فراز، تمامی ضمایر (اعم از مجروری و منصوبی) متصل و منفصل، به پروردگار متعال اشاره دارد.

امام سجّاد (علیه السلام) در برخی فرازها خداوند را با صفات جلال و جمالش می‌ستایند:

مثال: «فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ...» (دعای ۴۵، بند ۱۲).

گاه نیز با ندا و منادا، مخاطب خویش را خداوند قرار می‌دهند:

مثال: «يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ» (دعای ۷، بند ۱).

در مواردی نیز اوصاف الهی را برمی‌شمرند:

مثال: «أَنْيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَانِمٌ بِالْقِسْطِ، عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ، رَوْوْفٌ بِالْعِبَادِ، مَالِكُ الْمُلْكِ، رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ» (دعای ۶، بند ۲۱).

حتی موصول و صله نیز گاه به ذات حق تعالی اشاره دارد:

مثال: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ» (دعای ۶، بند ۱).

از این رو، بخش عمده‌ای از واژگان صحیفه را الفاظی تشکیل می‌دهند که یا نام و صفت خداوندند،

یا خطاب به او هستند، یا در قالب ضمیر، ندا و صله به ذات الهی ارجاع داده می‌شوند.

۲- استفاده از واژگان فصیح

امام سجّاد (علیه‌السلام) در ادعیه‌ی خویش به وفور از واژگان زیبا و فصیح بهره برده‌اند؛ گویی بر این باورند که هنگام راز و نیاز با خالق بی‌همتایی که خود زیباست و زیبایی را دوست دارد، باید زیباترین کلمات را برگزید. این ویژگی در سراسر صحیفه چنان چشمگیر است که می‌توان گفت در هر فراز، مناسب‌ترین و رساترین واژه برای بیان مقصود انتخاب شده است.

مثال اول: «إِلَهِي هَدَيْتَنِي فَلَهَوْتُ وَوَعَّظْتَ فَفَسَوْتُ وَأَبَلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ، ثُمَّ عَرَفْتُ مَا أُصْدَرْتُ إِذْ عَرَفْتَنِيهِ، فَاسْتَعْفَرْتُ فَأَقَلْتُ، فَعُدْتُ فَسَتَّرْتُ، فَلَكَ إِلَهِي الْحَمْدُ» (دعای ۴۹، بند ۱).

نکات زیبایی‌شناختی این فراز عبارتند از:

۱- در سه بخش آغازین، امام (علیه‌السلام) با سه فعل «هدیتنی»، «وعظت» و «أبلیت» نعمت‌های الهی را برمی‌شمرد و در مقابل، با سه فعل «لهوت»، «فسوت» و «عصیت» پاسخ ناشکری بنده را بیان می‌کند.

۲- پس از حرف عطف «ثم»، دو مرحله‌ی دیگر را ترسیم می‌کنند: که ابتداء فعل و عمل بنده پس از توجه و بیداری از خواب غفلت بیان شده، سپس تفضل الهی را بیان نموده است. این ساختار، چرخه‌ی غفلت، بیداری، توبه و مغفرت را به شیوه‌ای ادبی و عمیق به تصویر می‌کشد.

مثال دوم: «اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيعًا مُمَرِّعًا عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيرًا، تُرْدُ بِهِ النَّهِيضَ وَتَجْبِرُ بِهِ الْمَهِيضَ» (دعای ۱۹، بند ۴).

در این دعا، امام (علیه‌السلام) هشت وصف برای باران طلبیده‌اند: شش وصف نخست (غیثًا، مُغِيثًا، مَرِيعًا، مُمَرِّعًا، عَرِيضًا، وَاسِعًا، غَزِيرًا) تک‌واژه‌ای‌اند و دو وصف پایانی در قالب جمله بیان شده‌اند. هر یک از این واژگان، علاوه بر فصاحت، از معنایی غنی و تصویری برخوردارند.

۳- واژه‌های بازگشت‌کننده به ذات الهی

امام سجّاد (علیه‌السلام) در پنجاه‌وچهار دعای صحیفه سجّادیه، شامل ۲۱۶۸۵ واژه، ۲۸۵ بار مناجات خویش را با «اللَّهُمَّ» آغاز کرده‌اند و در ۵۳ مورد، خداوند را با «إِلَهِي» یا «يَا إِلَهِي» خوانده‌اند. همچنین در موارد متعددی با «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ستایش را آغاز نموده‌اند. واژه‌هایی مانند «يَا رَبِّ» و «يَا مَنْ» نیز مطلع بسیاری از دعاها به‌کار رفته‌اند.

نمونه‌ها:

- «اللَّهُمَّ وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ قَصَرَ عَنْهَا جُهْدِي» (دعای ۱۳، بند ۱۵).
- «إِلَهِي لَا تُخَيِّبْ مَنْ لَا يَجِدُ مُعْطِيًا غَيْرَكَ» (دعای ۱۶، بند ۱۶).
- «يَا إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ فَكَمْ مِنْ عَائِبَةٍ سَتَرْتَهَا عَلَيَّ فَلَمْ تَفْضَحْنِي» (دعای ۱۶، بند ۲۱).
- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ، فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟» (دعای ۱، بند ۱۹).
- «وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ» (دعای ۷، بند ۸).
- «وَ يَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ. وَ يَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعْمَهُ بِالْأَثْمَانِ» (دعای ۱۳، بند ۲ و ۳).

۴- واژگان درود و صلوات

امام سجّاد (علیه‌السلام) در ادعیه‌ی خویش، با واژه‌هایی مانند «صَلِّ»، «صَلِّوَات»، «صَلِّوَاتِي»، «صَلِّي»، «صَلَّيْتُ»، «فَصَلِّ»، «السَّلَام»، «سَلَام»، «سَلَامَةٌ» و «سَلَامُكَ»، درودهای فراوانی بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خاندان پاکش (علیهم‌السلام) فرستاده‌اند. بر پایه‌ی بررسی‌های آماری، واژه‌ی «صَلِّ» ۱۴۴ بار و مجموع مشتقات ماده‌ی «صَلِّي» ۲۳۳ بار در پنجاه‌وچهار دعا تکرار شده است. همچنین واژه‌های مرتبط با «سَلَام» بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ۳۳ بار به‌کار رفته‌اند.

۵- نام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

امام سجّاد (علیه‌السلام) در ادعیه‌ی خویش محبت عمیق خود را نسبت به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نشان داده‌اند؛ چنان‌که افزون بر اختصاص دادن دعای دوم به سپاس و درود بر

ایشان، در ۴۶ دعا از ۵۴ دعا، مجموعاً ۲۲۱ بار نام مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) را بر زبان آورده‌اند. در بیشتر موارد، این ذکر همراه با درود و صلوات است و گاه با عنوان‌هایی چون «نَبِیِّ»، «قَائِدِ»، «رَسُولِ» و «إِمَامِ» از ایشان یاد شده است.

۶- کاربرد واژگان هم‌ماده در یک بافت

به‌کارگیری چند واژه از یک ماده در یک جمله یا بند، از دیگر ویژگی‌های سبکی صحیفه است که بر تأکید و هماهنگی موسیقایی عبارت می‌افزاید.

مثال اول: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَدْيَيْنِ آيَاتِنِ مِنْ آيَاتِكَ وَهَدْيَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ، يَبْتَدِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نَقْمَةٍ ضَارَّةٍ، فَلَا تُمَطِّرْنَا بِهَمَا مَطَرَ السَّوِّءِ وَلَا تُلْبِسْنَا بِهَمَا لِبَاسَ الْبَلَاءِ» (دعای ۳۶، بند ۱).
در این بند، واژه‌های «آيَاتِنِ» و «آيَاتِكَ» از ماده‌ی «أ ي ی»، «عَوْنَانِ» و «أَعْوَانِكَ» از ماده‌ی «ع و ن»، «تُمَطِّرْنَا» و «مَطَرَ» از ماده‌ی «م ط ر» و «تُلْبِسْنَا» و «لِبَاسَ» از ماده‌ی «ل ب س» هستند.

مثال دوم: «يَدْيُونُونَ بَدِينَهُمْ وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ» (دعای ۴، بند ۱۲).
در این جمله، «يَهْتَدُونَ» و «بِهَدْيِهِمْ» از ماده‌ی «ه د ی» و «يَدْيُونُونَ» و «بَدِينَهُمْ» از ماده‌ی «د ی ن» گرفته شده‌اند.

۷- استفاده از ادات استفهام

کاربرد واژه‌های پرسشی در صحیفه سجّادیه چشمگیر است. امام سجّاد (علیه‌السلام) پرسش‌های بسیاری - چه خطاب به خداوند و چه با خود - مطرح می‌کنند که البته این پرسش‌ها در بیشتر موارد، بار معنایی ثانویه (مانند تعجب، تذکر یا تأکید) دارند.
مثال اول (مَنْ): «فَمَنْ أَكْرَمُ يَا إِلَهِي مَنْكَ وَمَنْ أَشَقِيٌّ مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ؟ لَأ! مَنْ؟ فَتَبَارَكْتَ أَنْ تُوصَفَ إِلَّا بِالْإِحْسَانِ» (دعای ۳۷، بند ۱۶).

- مثال دوم (أی): «سَبَّحَانَكَ أَيَّ جَرَأَةٍ اجْتَرَأَتْ عَلَيْكَ وَأَيَّ تَغْيِيرِ غَرَّرْتَ بِنَفْسِي!» (دعای ۵۳، بند ۳).
- مثال سوم (كَيْفَ): «...أَلَتِي لَأَسْتَطِيعُ حَرَّ شَمْسِكِ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ حَرَّ نَارِكَ وَأَلَتِي لَأَسْتَطِيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ، فَكَيْفَ تَسْتَطِيعُ صَوْتَ غَضَبِكَ؟» (دعای ۵۰، بند ۵).
- مثال چهارم (هَلْ): «هَلْ أَنْتَ، يَا إِلَهِي، رَاحِمٌ مَنْ دَعَاكَ فَأَبْلَغَ فِي الدُّعَاءِ؟» (دعای ۱۶، بند ۱۵).
- مثال پنجم (مَتَى): «فَكَيْفَ نُطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى تُؤَدِّي شُكْرَهُ؟ لَأَمَتَى؟» (دعای اول، بند ۱۹).

سبک شناسی جمله های صحیفه سجّادیه

سبک جمله‌بندی در صحیفه سجّادیه از ویژگی‌های متعدد و برجسته‌ای برخوردار است که در این بخش به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تفاوت سبک صحیفه با روایات
۲. دسته‌بندی محتوایی جملات
۳. طبقه‌بندی ساختاری جملات
۴. مضامین کلی و فراگیر
۵. تکرار معنادار مفاهیم
۶. ترسیم نظام‌مند موضوعات

۱- تفاوت سبک صحیفه با روایات

سبک و اسلوب جملات در صحیفه مبارکه سجّادیه، با شیوه بیان روایات و احادیث منقول از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) تفاوت بنیادین دارد. روایات عمدتاً در مقام «اخبار و انتقال معارف» هستند، حال آنکه غالب جملات صحیفه در مقام «انشاء و دعا» شکل گرفته‌اند و کارکردی نیایشی - عاطفی دارند.

۲- دسته‌بندی محتوایی جملات

تمامی جملات صحیفه شریفه سجّادیه و یا اکثر آن، یا صحبت امام با خالق بی‌همتا است و یا سخن با نفس و اقرار بر گناه و خطا. علاوه بر آن حضرت علی بن الحسین علیه السلام در گوشه گوشه دعاها به بیان تصوّرات و آرزوهای خود پرداخته، برای دستیابی به این آرزوها و امیدها اصرار ورزیده و از گناهان خود توبه کرده، طلب عفو می‌نماید و در برخی موارد امام علیه السلام با اخلاص و صدق گفتار، نفس خویش را معرفی کرده، آن را در معرض خطاب قرار داده، از آن حساب‌رسی می‌نماید و خود را در معرض عتاب‌های شدید قرار می‌دهد، گاهی به نفس خویش وعده و وعید می‌دهد و گاه خود را موعظه می‌نماید و...

در واقع می‌شود گفت، تمامی یا اکثر جملات صحیفه سجّادیه در یکی از این محورهای محتوایی جای می‌گیرند:

- خطاب مستقیم به خداوند (مناجات)
- سخن گفتن با نفس** (محاسبه، اعتراف به گناه و توبه)
- بیان آرزوها و تمایلات قلبی
- تصویرسازی‌های معنوی و عرفانی
- اصرار و التماس برای تحقق خواسته‌ها
- موعظه و تذکر به خویش

نمونه‌ها:

مثال اول (خطاب به خداوند): «اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَقَرِّدْ بِحَاجَتِي وَتَوَلَّ كَفَايَتِي» (دعای ۲۲، بند ۲).

مثال دوم (اعتراف به گناه): «اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ يَا هُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ وَ وَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ وَ عَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ... ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ وَ زَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ...» (دعای ۴۷، بند ۷۴).

مثال سوم (بیان تصورات و آرزوها): «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ وَاحْصِرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ...» (دعای ۲۲، بند ۵).

مثال چهارم (تصویرسازی معنوی): «وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ وَأَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشَّكِّ وَالشُّبُهَاتِ» (دعای ۲۲، بند ۸).

مثال پنجم (اصرار و التماس): «عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةً الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (دعای ۲۳، بند ۲).

در این فراز، امام (علیه السلام) با پنج بار تکرار واژه «عافیت» و توصیف آن با صفات «کافی، شافی، عالی، نامیه»، بر شدت آرزوی خویش تأکید کرده و جامعیت این عافیت را در دنیا و آخرت طلبیده‌اند.

۳- دسته‌بندی ساختاری جملات

از نظر صورت و ساختار، جملات صحیفه را می‌توان به گونه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

- جملات کوتاه و موجز (برای بیان حاجت یا اعتراف)
- جملات مرکب و طولانی (برای توصیف، استدلال یا مناجات مفصل)
- جملات موازی و متوازن (با ساختاری موسیقایی)
- جملات پرسشی (خطاب به خدا یا خویشتن)
- جملات امری و دعایی (در قالب طلب و تمنا)

۴- مضامین عام

مضامین کلیدی صحیفه در قالب جملات مختلف تکرار می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- توحید و شناخت پروردگار
- توبه و بازگشت به خدا
- طلب عفو و رحمت
- درخواست توفیق طاعت

- دعا برای پیامبر (صل الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)
- بیان فقر و نیازمندی انسان

۵- تکرار مضامین

تکرار برخی مفاهیم مانند «عافیت»، «هدایت»، «مغفرت»، «رزق» و «توفیق» نه تنها بر اهمیت آنها تأکید می‌کند، بلکه ساختاری موسیقایی و تأثیر روان‌شناختی عمیق در مخاطب ایجاد می‌نماید.

۶- ترسیم موضوعات

جملات صحیفه به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که «نظامی منظوم» از موضوعات را ترسیم می‌کنند؛ به‌طوری که هر دعا گویای بخشی از رابطه‌ی انسان با خدا، خود و جهان است. این جملات در عین تنوع، از وحدت موضوعی و غایت‌مندی برخوردارند. این ویژگی‌های سبکی، صحیفه سجّادیه را نه تنها به یک اثر ادبی و عرفانی ممتاز، بلکه به «منظومه‌ای زبانی-معنایی» تبدیل کرده که در آن صورت و معنا به شکلی هنرمندانه به هم آمیخته‌اند.

دسته‌بندی جملات صحیفه

تمامی یا اکثر جملات صحیفه سجّادیه در دو محور اصلی جای می‌گیرند: «خطاب به خالق بی‌همتا» یا «سخن گفتن با نفس و اقرار و اعتراف به گناه و خطا». افزون بر این، امام سجّاد (علیه السلام) در لابه‌لای دعاها، تصورات و آرزوهای خویش را بیان کرده، برای تحقق آن‌ها اصرار می‌ورزند، از گناهان توبه کرده و طلب عفو می‌نمایند. در مواردی نیز با اخلاص و صدق گفتار، به معرفی نفس خویش پرداخته، آن را مورد خطاب قرار داده، از آن حساب‌کشی می‌کنند، خود را در معرض عتاب‌های شدید می‌نهند، گاهی به خویشتن وعده و وعید می‌دهند و زمانی خود را موعظه می‌نمایند.

نمونه‌ها:

مثال اول (خطاب به خداوند): «اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجَهْدِ وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي وَلَا تَكْلِنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي وَتَوَلَّ كِفَايَتِي» (دعای ۲۲، بند ۲).

مثال دوم (اعتراف به گناه): «اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مَمَّنْ هَدَيْتَهُ لَدِينِكَ وَوَفَّقْتَهُ لِحَقِّكَ وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ وَأَدْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ وَأَرْشَدْتَهُ لِمَوَالَاهُ أَوْ لِبَائِكَ وَمُعَادَاهُ أَعْدَائِكَ. ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ...» (دعای ۴۷، بند ۷۴).

مثال سوم (بیان آرزوها): «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ وَاحْصِرْنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَوَرِّعْنِي عَنِ الْمَحَارِمِ...» (دعای ۲۲، بند ۵).

مثال چهارم (بیان تصورات معنوی): «وَهَبْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ وَأَسْتَضِيءُ بِهِ مِنَ الشُّكِّ وَ الشُّبُهَاتِ» (دعای ۲۲، بند ۸).

مثال پنجم (اصرار بر تحقق آرزوها): «عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُؤَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (دعای ۲۳، بند ۲).

در این فراز، امام (علیه السلام) با پنج بار تکرار واژه «عافیت» و توصیف آن با صفات «کافی، شافی، عالی، نامیه»، هم بر اهمیت این درخواست تأکید کرده‌اند و هم جامعیت آن را در دنیا و آخرت طلبیده‌اند.

سطح ادب و بلاغت

سطح ادب و بلاغت، به کارگیری صنایع ادبی، نکات بلاغی و واژگان فصیح در ساختار جملات و عبارات است. در دعا‌های صحیفه سجادیه، بسامد این ظرایف ادبی به گونه‌ای است که بسیاری از ادبای عرب‌زبان را مجذوب خود ساخته است. در این مقاله، به‌طور گذرا به چند صنعت بلاغی اشاره می‌شود و تأمل در جزئیات هر یک به خواننده فرهیخته ارائه می‌گردد.

«قصر»

«قصر» عبارت است از حصر کردن و تخصیص دادن موصوف به صفت و یا تخصیص و حصر صفت به موصوف.

- مثال (تخصیص صفت به موصوف):

«فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ» (دعای ۹، بند ۵).

- مثال (تخصیص موصوف به صفت):

«لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أُعْطَيْتَ» (دعای ۶، بند ۱۱).

«ایجاز»

«ایجاز» عبارت است از بیان کامل مقصود با الفاظی مختصر و بلیغ. ایجاز بر دو قسم ایجاز قصر و ایجاز حذف است.

- ایجاز قصر: «ایجاز قصر» عبارت است از آوردن کلام به طوری که بر معانی زیادی مشتمل باشد و حذفی در آن صورت نگیرد. در واقع ایجاز قصر؛ بیان معانی فراوان بدون حذف است.

مثال: «امْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ» (دعای ۴۳، بند ۲).

- ایجاز حذف: «ایجاز حذف» عبارت است از حذف جزئی یا بخشی از اجزاء جمله.

مثال: «فَاسْتَعْفَرْتُ فَأَقَلْتُ، فَعُدْتُ فَسَتَرْتُ» (دعای ۴۹، بند ۱).

(اصل عبارت: «فَأَنَا اسْتَعْفَرْتُ... فَأَنْتَ أَقَلْتُ... فَأَنَا عُدْتُ... فَسَتَرْتُ»).

«اطناب»

«اطناب» عبارت است از به طول دادن جمله‌ها تا مقصود واضح و توضیح کامل گردد و در واقع اطناب، همان درازآهنگی در بیان برای وضوح و تأکید بیشتر است.

مثال: فراز بلند دعای ۴۳، بندهای ۴ و ۵ که با تکرار و توضیح صفات، مقصود را به شکلی مبسوط

بیان کرده است.

مثال: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكَ... أَنْ يَجْعَلَكَ هَلَالًا بَرَكَةً لَا تَمَحُّهَا الْأَيَّامُ وَطَهَارَةً لَا تُدْنِسُهَا الْأَتَانُ. هَلَالًا أَمِنَ مِنَ الْآفَاتِ وَسَلَامَةً مِنَ السَّيِّئَاتِ، هَلَالًا سَعِدَ لَا نَحْسَ فِيهِ وَيُمِنَ لَا نَكْدَ مَعَهُ وَيُسِرُّ لَا يَمَازِجُهُ عُسْرٌ وَخَيْرٌ لَا يَشُوْبُهُ شَرٌّ، هَلَالًا أَمِنَ وَإِيْمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ» (دعای ۴۳، بند ۴ و ۵).

در این جمله‌ها، «سَلَامَةً مِنَ السَّيِّئَاتِ» هم‌معنا با جمله «أَمِنَ مِنَ الْآفَاتِ» است و در اصطلاح اهل ادب، تذلیل جمله قبل است. جمله‌های «أَلَا نَحْسَ فِيهِ» توضیح و تحقیق «سَعِدَ»، «أَلَا نَكْدَ مَعَهُ» توضیح و تحقیق «يُمِنَ»، «أَلَا يَمَازِجُهُ عُسْرٌ» توضیح و تحقیق «يُسِرُّ»، «أَلَا يَشُوْبُهُ شَرٌّ» توضیح و تحقیق «خَيْرٌ» است و جمله «هَلَالًا أَمِنَ وَإِيْمَانٍ وَنِعْمَةٍ وَإِحْسَانٍ وَسَلَامَةٍ وَإِسْلَامٍ» ایضاح، تکمیل و متمیم جمله‌های قبل می‌باشد. لذا مجموع جمله‌ها از باب صنعت «اطناب» است.

«کنایه»

کنایه، ترک تصریح گویی یا همان ذکر لازم و اراده ملزوم، بدون تصریح به معنای اصلی است. به عبارت واضح‌تر جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارف‌های هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی نماید، وجود ندارد.

مثال اول: «وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ وَتُصِمَّ عَن ذِكْرِي سَمْعَهُ وَتُقْفَلَ دُونِ إِخْطَارِي قَلْبُهُ وَتُخْرِسَ عَنِّي لِسَانُهُ وَتَقْمَعَ رَأْسُهُ». شش جمله در دعای ۲۳، بند ۸، که کنایه از برخورد سخت با دشمن یا بیان برخورد شدید با کسی است که نیت سوء دارد، است.

مثال دوم: «وَ هَوْنٌ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرَبِّ السِّيَاقِ وَجَهْدَ الْأَنْبِيْنِ وَتَرَادُفَ الْحَشَارِحِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجْبِ الْعُيُوبِ وَرَمَاهَا عَن قَوْسِ الْمَنَائِيَا بِأَسْهُمِ وَحَشْنَةِ الْفِرَاقِ وَدَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا سَمُومَةَ الْمَدَاقِ وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْآخِرَةِ رَحِيلٌ وَانْطَلَقَتْ وَصَارَتْ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِي الْأَعْنَاقِ وَكَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ». توصیف سختی‌های جان‌سختی در دعای ۴۲، بند ۱۳ با استفاده از تصاویر کنایی مانند «رَمَاهَا عَن قَوْسِ الْمَنَائِيَا».

«مجاز»

«مجاز» کلمه‌ای است که در غیر معنی موضوع‌له به کار رفته است و دلالت او بر آن معنی به وسیله «قرینه» باشد.

مجاز در واقع کاربرد واژه در غیر معنای حقیقی خود با وجود قرینه است.

مثال اول: «وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمَنِي» (دعای ۲۰، بند ۸).

مثال دوم: «وَاجْرِ لِلنَّاسِ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ» (دعای ۲۰، بند ۳).

مثال سوم: «فَأَبْسُطْ يَدِي» (دعای ۲۲، بند ۴).

همانند کاربرد «یَد» (دست) به معنای قدرت و توانایی در دعاهای ۲۰ و ۲۲.

«تشبیه»

در کتاب صحیفه مبارکه سجّادیه، چندین مورد تشبیه به کار رفته است.

مثال اول: تشبیه نفس به «ذره او دونه‌ها». «وَ أَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقْلَيْنِ وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينَ وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونَهَا» (دعای ۴۷، بند ۷۵).

در اینجا مشبّه: نفس گوینده، مشبّه به: ذره و کمتر از آن، ادات تشبیه: مثل و وجه شبّه: کوچک بودن و حقیر بودن در مقابل عظمت خداوند است.

مثال دوم: تشبیه معصیت بنده به معصیت خداوند. «بِحَقِّ... مَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ» (دعای ۴۷، بند ۸۶).

در اینجا مشبّه: نافرمانی و عدم اطاعت از بنده خاصّ خدا، مشبّه به: نافرمانی و عدم اطاعت از خداوند، ادات تشبیه: حرف «ک» و وجه شبّه: عظمت قبح نافرمانی و عدم اطاعت از هر دو است.

«استعاره»

عاریه گرفتن لفظی به جای لفظ دیگر بر پایه تشابه. استعاره از وادی مجاز و تشبیه می‌باشد، زیرا در آن، هم علاقه است و هم تشبیهی که مشبّه، وجه شبّه و ادات تشبیه آن حذف شده است.

مثال: «وَرَدَدْتَهُ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِ، فَاَنْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِيلًا فِي رِبْقِ حِبَالَتِهِ الَّتِي كَانَ يَقْدِرُ أَنْ يَرَانِي فِيهَا». [دعای ۴۸، بند ۸].

در این جمله‌ها، عبارت «مَهْوَى حُفْرَتِهِ» (پرتگاه گودال) عاریه از عبارت «عواقب اعمال ظالم» آمده و عبارت «رِبْقِ حِبَالَتِهِ» (افسار دام) عاریه از کلمه «سختی و مشقت» است و نوعی تشبیه به کار رفته که در آن مشبّه و وجه شبّه و ادات تشبیه حذف گردیده است.

«حسن مطلع»

آغاز زیبا و فصیح سخن را حسن مطلع گویند که ابتدای کلام، مطبوع و با لفظ لطیف و معنی بدیعی همراه است.

مثال اول: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بَلَاءِ أَوَّلِ كَانِ قَبْلَهُ وَالْآخِرِ بَلَاءِ آخِرِ يَكُونُ بَعْدَهُ» (دعای ۱، بند ۱).
 مثال دوم: آغاز دعای ۲ با حمد و توصیف قدرت الهی. «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأَمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجِزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ وَلَا يَفُوتُهَا شَيْءٌ وَإِنْ لَطَفَ». [دعای ۲، بند ۱].

«براعت استهلال»

آغاز سخن به گونه‌ای که مقصود گوینده از همان ابتدا آشکار شود.
 در اکثر دعاها امام سجاد علیه السلام یا صنعت «حسن مطلع» برگزیده شده و یا صنعت «براعت استهلال» که با نگاهی گذرا به هر یک می‌توان بر این مطلب وقوف یافت.

مثال: «يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ وَيَا مَنْ شُكِرَهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ وَيَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ. صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَاشْغَلُ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ وَالسِّتْنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ وَجَوَّارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ» (دعای ۱۱، بند ۱).

در این بند هفت فراز آمده است: سه جمله اول، خواندن و صدا زدن پروردگار است و چهار جمله پایانی طلب حاجت. در جمله «يَا مَنْ ذَكَرَهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ» خداوند را به عنوان کسی که یادش

بزرگ‌ترین ذکرهاست می‌خوانیم تا در جمله «وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ» از او بخواهیم که دل‌هایمان را به یاد خود مشغول دارد. در جمله «يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ» خداوند را به آنکه سپاسش رستگاری است صدا می‌زنیم تا در جمله «وَ اشْغَلْ... اَلَسْتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ» از او بخواهیم زبانمان به سپاسگزاری‌اش مشغول باشد و در جمله «يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ» خالق بی‌همتا را به عنوان کسی که پیروی‌اش رهایی‌بخش است یاد می‌کنیم، تا در جمله «وَ اشْغَلْ... جَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ» توفیق پیروی‌اش را درخواست کنیم. پس سه جمله اول «براعت استهلال» برای سه جمله آخر است.

درواقع سه جمله نخست (ندای پروردگار با صفات خاص) مقدمه‌ای است برای سه درخواست پس از آن.

«سجع مرصع و مماثله»

هرگاه تمام یا اکثر کلمه‌های فقره اول با تمام یا اکثر کلمه‌های فقره دوم هم‌وزن و موافق باشند، کلام دارای «سجع» است. در واقع هم‌وزنی و هم‌آوایی اکثر یا تمام کلمات در دو یا چند جمله. مثال اول (در مورد تمام کلمه‌ها): «سَلَمْنَا مِنْ غُرُورِهِ وَ آمَنَّا مِنْ شُرُورِهِ» (دعای ۴۰، بند ۲). در این مثال «سَلَمْنَا» با «آمَنَّا» و «مِنْ غُرُورِهِ» با «مِنْ شُرُورِهِ» هم‌وزن و موافق هستند. مثال دوم (در مورد اکثر کلمه‌ها): «الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْبِيرِ» (دعای ۴۳، بند ۱).

در این مثال «الْمُتَرَدِّدُ» با «الْمُتَصَرِّفُ» و «التَّقْدِيرِ» با «التَّدْبِيرِ» هم‌وزن و موافقند ولی «مَنَازِلِ» و «فَلَكَ» هم‌وزن و موافق نیستند.

«سجع متوازن»

هم‌وزنی تنها در پایان جملات که همان سجع متوازن است؛ پیش‌تر (بخش هم‌وزنی در انتهای جمله‌ها) با مثال‌هایی توضیح داده شده است.

«تشطیر»

در «تشطیر» اکثر کلمه‌های فقره اول با اکثر کلمه‌های فقره دوم هم‌وزن و برابر نیست، ولی بر یک قافیه خوانده می‌شود. در واقع: هم‌قافیه بودن جملات بدون لزوم هم‌وزنی کامل.

مثال: «حَتَّىٰ لَا تُؤْمَلَ اسْتِمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ» (دعای ۴۰، بند ۱).

در این مثال کلمه «اسْتِمَامَ» با «اسْتِيفَاءَ» و «سَاعَةٍ» با «يَوْمٍ» و «بَعْدَ سَاعَةٍ» با «بَعْدَ يَوْمٍ» هم‌وزن و برابر نیستند ولی بر یک قافیه خوانده شده است.

«التفات»

«التفات» عبارت است از نقل کلام از اسلوبی به اسلوب دیگر و از طریقه‌ای به طریقه دیگر. این امر موجب نشاط و شادمانی سامع و متکلم می‌گردد.

درواقع تغییر ضمیر یا سبک خطاب برای ایجاد تنوع و نشاط در کلام.

التفات به چند وجه آورده می‌شود:

- التفات از غیب به خطاب
- التفات از غیب به تکلم و از تکلم به غیب
- التفات از خطاب به غیب
- التفات از خطاب به تکلم
- التفات از تکلم به خطاب

التفات از غیب به خطاب

مثال: «يَا مَنْ لَا يُكَافِي عَبْدَهُ عَلَى السَّوَاءِ. مَتِّكَ ابْتِدَاءً وَعَفْوُكَ تَفْضُلٌ وَعُقُوبَتُكَ عَدْلٌ وَقَضَاؤُكَ خَيْرَةٌ» (دعای ۴۵، بند ۳ و ۴).

ضمیر مرفوعی در «يُكَافِي» و مجروری متصل در «عَبْدَهُ» غائب است و ضمائر «مَتَّكَ»، «عَفْوُكَ»، «عُقُوبَتِكَ» و «فَضَاؤُكَ» حاضر و همه بازگشت به ساحت خداوند دارد.

التفات از غیب به تکلم و از تکلم به غیب

مثال: «أَنَا الَّذِي أَوْفَرْتِ الْخَطَايَا ظَهْرَهُ وَأَنَا الَّذِي أَفْنَتِ الذُّنُوبَ عُمْرَهُ وَأَنَا الَّذِي بَجَّهَلِهِ عَصَاكَ» (دعای ۱۶، بند ۱۴).

ضمیر «أَنَا» (که ضمیر تکلم است) و ضمائر متصل مجروری در «ظَهْرَهُ»، «عُمْرَهُ» و «بَجَّهَلِهِ» (که ضمیر غائب است) به یک نفر بازگشت دارد. در اینجا، هم التفات از تکلم به غیبت است و هم از غیب به تکلم.

التفات از خطاب به غیب

مثال: «وَأَنْتَ الَّذِي تَسْعَى رَحْمَتُهُ أَمَامَ غَضَبِهِ» (دعای ۱۶، بند ۸)
ضمیر «أَنْتَ» (که ضمیر خطاب است) و ضمیرهای متصل مجروری در «رَحْمَتُهُ» و «غَضَبِهِ» (که ضمیر غیب است) به سوی خداوند بازگشت دارد.

التفات از خطاب به تکلم

مثال: «إِذْ تَقُولُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (دعای ۳۱، بند ۱۱).
در این فراز ضمیر «تَقُولُ» خطابی و «ادْعُونِي» تکلم است و هر دو به ساحت خداوند بازگشت دارد.

التفات از تکلم به خطاب

مثال: «وَقُلْتُ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. فَسَمَّيْتُ دُعَاءَكَ عِبَادَةً وَتَرَكْتُهُ اسْتِكْبَارًا وَتَوَعَّدْتُ عَلَى تَرْكِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (دعای ۴۵، بند ۱۵)
ضمیرها در «ادْعُونِي» و «عِبَادَتِي» تکلم و در «سَمَّيْتُ»، «دُعَاءَكَ» و «تَوَعَّدْتُ» خطاب است.

«مراعات النظیر»

صنعت «مراعات نظیر» عبارت است از جمع بین دو یا چند امر متناسب و غیر متضاد، تحت یک حکم.

مثال اول: «وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَ لَهُمْ» (دعای ۴۸، بند ۳)

در این جمله برای خود و دیگران طلب مغفرت کرده‌ایم.

مثال دوم: «وَلَا أَرْجُو لِأَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ» (دعای ۴۸، بند ۴)

در این جمله امر آخرت و امر دنیا را به خداوند سبحان واگذار نموده‌ایم.

«طباق»

«طباق» عبارت است از وقتی بین دو شیء متضاد در یک کلام، جمع نمایند، البته باید هر دو از یک جنس باشند. یعنی دو اسم یا دو فعل یا دو حرف.

مثال: «وَأَجْعَلْنِي عَلَىٰ مَلِكِ أَمُوتٍ وَ أَحْيَا» (دعای ۲۰، بند ۱۷)

در اینجا «اموت» و «احیا» در یک جمله جمع شده که امور متضاد هستند.

«اشتقاق»

«اشتقاق» زمانی است که دو یا چند لفظ در ترکیب حروف اصلی موافق و در اصل معنی متفق

باشند. اشتقاق در واقع به‌کارگیری واژه‌های هم‌خانواده در یک عبارت

مثال: گردآوری مشتقات «حمد» و «شکر»: «وَلِكِ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ وَ شُكْرًا يَفْصُرُ

عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ» (دعای ۴۷، بند ۳۶)

که در این فراز از دعای ۴۷، کلمه‌های «الحمد، حمداً، حمد، حامد» موافق و متفق هستند و همچنین

کلمه‌های «شکراً، شکر، شاکر».

«موازنه»

«موازنه» زمانی است که دو کلمه آخر دو فقره در وزن مساوی هستند نه در قافیه در واقع؛ هم‌وزنی دو کلمه پایانی دو جمله، بدون لزوم هم‌قافیه بودن.

مثال: «فَذَكِّرْهُ بِمَنِّكَ وَشَكَرْهُ بِفَضْلِكَ وَدَعْوِكَ بِأَمْرِكَ» (دعای ۴۵، بند ۱۶)

کلمه‌های «مَنْ» و «فَضْلٍ» و «أَمْرٍ» هم وزن هستند، ولی قافیه آنها با هم یکی نیست. زیرا حروف پایانی کلمه‌های هر یک با هم متفاوت بوده و در اولی «ن»، در دومی «ل» و در سومی «ر» است.

«تشابه الاطراف»

«تشابه الاطراف» عبارت است از ختم کلام به جمله و یا کلمه‌ای که با صدر کلام مناسبت داشته باشد و در واقع؛ پایان‌بندی سخن با جمله‌ای متناسب با محتوای آغاز و میانه آن.

مثال: «وَاصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ وَتُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (دعای ۴۷، بند ۶۵)

در این دعا جمله «يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» که جمله ختم است، با قبل از خود که پیرامون توبه و جلب رحمت الهی است، تشابه و مناسبت دارد و برای ختم دعا مناسب است.

«حسن مقطع»

به پایان بردن سخن با الفاظ فصیح و معانی لطیف را صنعت «حسن مقطع» گویند.

با تأمل در پایان‌بندی دعاها، صحیفه درمی‌یابیم که همه آن‌ها از «تشابه الاطراف» یا «حسن مقطع» برخوردارند.

جمع بندی و نتیجه

«زبور آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)» یا صحیفه مبارکه سجّادیه، یادگار ماندگار امام سجّاد (علیه‌السلام) و امانتی الهی است که زبانی گویا برای راز و نیاز با خدای بی‌همتا، عرض حاجت در

پیشگاه ربوبی و شکوه از غربت مؤمن در جهانی آکنده از فریب به شمار می‌آید. این کتاب، دربردارنده‌ی ژرف‌ترین معارف توحیدی و عرفانی است و با زیورهای بیانی و زینت‌های سبکی بی‌نظیری آراسته شده است؛ همین ویژگی هاست که آن را به اثری جذاب و شورانگیز برای مخاطبان در طول اعصار تبدیل کرده است.

امام سجّاد (علیه‌السلام) در این اثر گرانسنگ، با بهره‌گیری از الفاظ و عباراتی بدیع در قالب نیایش، به تعلیم خداشناسی و خودشناسی می‌پردازد و با کاربرد هنرمندانه‌ی صنایع بلاغی چون مجاز، کنایه، استعاره، تشبیه و سجع و نیز با به‌کارگیری ساختارهای موزون آوایی و واژگانی، دیدگاه عمیق خویش را به گونه‌ای ملموس و مجسم به تصویر می‌کشد. بررسی سبک‌شناختی این کتاب نشان می‌دهد که وحدت عمیقی میان صورت و معنا، لفظ و اندیشه و عاطفه و تعقل برقرار است؛ به‌گونه‌ای که هر یک از سطوح زبانی، ادبی و فکری آن، مکمل و مفسر دیگری است.

این پژوهش، صحیفه سجّادیه را در سه سطح کلان مورد تحلیل قرار داده است: *سطح زبانی و صوری* (شامل سبک آوایی، واژگانی و جمله‌بندی)، *سطح ادبی و بلاغی* (با تمرکز بر بیست صنعت ادبی برجسته‌ای چون قصر، ایجاز، اطناب، کنایه و التفات) و *سطح فکری و اندیشه‌ای* (با محوریت مضامینی همچون توحید، توبه، فقر و جودی انسان و رابطه‌ی عاشقانه‌ی عبد با معبود). آنچه از این سه‌گانه برمی‌آید، آن است که سبک صحیفه، تنها برگزیدن واژگانی فصیح یا ساخت جملاتی موزون نیست، بلکه تجلی نگاه وجودشناسانه و عارفانه‌ی امام سجّاد (علیه‌السلام) به هستی است. این اثر، از یک سو آینه‌ای تمام‌نما از عمق روح پیامبرگونه‌ی امام است و از سوی دیگر، الگویی بی‌بدیل برای سخن گفتن با حقیقت مطلق. بنابراین، صحیفه سجّادیه فراتر از یک مجموعه دعا، «دانشنامه‌ای سبک‌شناختی» در هنر مناجات و «نظامی منسجم» برای انتقال مفاهیم بلند و ظرافت‌های ادبی به شمار می‌رود که پژوهش در لایه‌های آن، همواره گشاینده‌ی افق‌های جدید در قلمرو زبان دینی و ادبیات عرفانی خواهد بود.

در نگارش این نوشتار منابع زیر به جز آیات کلام الله مجید که همان‌جا، استناد داده است، بقیه به صورت غیرمستقیم و با بهره‌گیری از مفاهیم و تطبیق با صحیفه سجّادیه توسط نویسندگان مورد استفاده قرار گرفته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- بهار، محمدتقی. (۱۳۶۹). سبک‌شناسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- راستگو، سیدمحمد. (۱۳۷۶). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). سبک‌شناسی شعر. تهران: انتشارات میترا.
- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۱). نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- امام علی بن الحسین (علیه السلام). (۱۳۸۰). صحیفه کامله سجّادیه. مترجم محمدتقی خلجی. تهران: انتشارات میثم تمار.